سیدمحمد خاتمی رئیس دولت اصلاحات گفته اگر حصرها، دستگیری ها، محدودیت‌ها و ... تداوم پیدا کند و یا خالص سازی که در دانشگاه‌ها بود و در جاهای دیگر هم کم و بیش بود بیشتر شود یا حل نشود مشکل دوچندان خواهد شد.

نمیخواهم نظم کشور بهم بریزد و اصلاحات، انقلاب نیست؛

رئیس دولت اصلاحات با جمعی از اعضای حزب مجمع ایثارگران دیدار و گفت و گو کرد.

به گزارش اسپادانا خبر، سیدمحمد خاتمی در ابتدای سخنان خود ضمن خوش‌آمدگویی به حضار، کشور و مردم را همه مدیون ایثار و ایثارگری دانست.

وی در خصوص مسئله ایثار و ایثارگری نکاتی را مطرح کرد و گفت:

اصولی در اخلاق مورد قبول است و نهاد اخلاق احکامی دارد، اگر شرع هم در این موارد حکمی داشته باشد حکمش ارشادی است یعنی عقل سلیم بشری به مسئله‌ای حکم می‌کند و اگر امری از سوی خداوند نسبت به آن آمده است در واقع تایید حکم عقل است یعنی ارشاد کرده به امری که عقل سلیم بشری آن را درک و به آن حکم می‌کند. احسان و نیکی کردن یک اصل اخلاقی است که عقلا و همه مرام‌ها و انسان‌هایی که روان سالم دارند آن را تایید می‌کنند و ادیان از جمله اسلام هم از احسان ستایش کرده‌اند. اخلاق یعنی نیکی کردن و رفتار خوب داشتن. درست است که اخلاق و صفت‌ها و خصلت‌های اخلاقی که در درون انسانهاست مثل عدالت، شجاعت و ... مهم است، اما اخلاق زمانی اخلاق می‌شود که در عمل خود را نشان دهد و با عمل ارادی انسان بروز و ظهور پیدا کند. احسان یعنی نیکی کردن به دیگران. اینکه نیکی و خوبی چیست حرف دیگری است که اختلاف‌هایی هم میان فیلسوفان در این مورد وجود دارد ولی احسان و نیکی کردن اصلی است که تردیدی در آن نیست و یا اصل طلایی که می‌گوید با دیگران چنان رفتار کن که می‌خواهی با تو رفتار کنند و یا آنچه بر خود نمی‌پسندی بر دیگران مپسند که مورد قبول همه است و تردیدی در آن نیست. ایثار اما فراتر از احسان است و یک مرتبه بالاتر از آن است یعنی نیکی کردن به دیگری در جایی که خود نیازمند آن هستی. مثلاً زمانی که جانت که برایت عزیز است، برای دیگری و خیر دیگری از آن بگذری این ایثار است. گرچه متأسفانه از همه چیز حتی مقدسات سوء استفاده می‌شود به‌خصوص اگر قدرت مهار نشده‌ای حاکم باشد. همچنان که از دین، اخلاق، علم، و ... سوء استفاده شده است و می‌شود و همین ایثار را در نظر بگیریم می‌بینیم که گاه امری ضد ایثار و حتی ضد احسان را می‌گویند این ایثار است و ادعا می‌کنند که ایثارگر کسی است که این عمل و رویکرد خلاف را می‌خواهد. به هرحال ایثار یعنی دیگر را بر خود مقدم دانستن و بالاترین حد ایثار اینست که برای یک ارزش متعالی، از جمله برای بهبود زندگی انسانها، انسان از جان خود نیز می‌گذرد. ما نقش ایثار و ایثار گری را در دفاع مقدس دیدیم. سلاح و اسلحه بسیار مهم و موثر است اما این سلاح، ایثار است که موشک را کارساز می‌کند. اگر موشک باشد و این سلاح نباشد خود موشک هم کارآمد نخواهد بود. ممکن است شما تمام سلاح‌ها را در اختیار داشته باشید، اما مردم حاضر نباشند در عرصه حضور یابند و از خودگذشتگی و مشارکت نکنند و سلاح‌ها از کار می‌افتند. اتحاد جماهیر شوروی نمونه آن است. زمانی که حکومت از مردم جدا شود، آن حکومت دوام نخواهد داشت. وقتی جنگ آغاز شد، ما نه سامان دهی و سازمان دهی داشتیم، نه تجهیزات. اما همین ایثارها و مقاومت‌ها بود که حتی یک وجب از خاک این ملت از دست نرفت. در دویست سال گذشته هرجا ایران با دیگران روبه‌رو شد یک تکه از خاک ایران از دست رفت. تنها در دفاع مقدس بود که سرزمینمان از دست نرفت. این است نقش عنصر ایثارگری و فداکاری برای یک هدف بزرگ؛ بنابراین ایثار آنست که برای آرامش دیگران، امنیت و تأمین زندگی و خیر آنها از داشته‌ها و حتی از جان خود بگذری. خیلی جفاست که ما بخواهیم از این عنصر مهم اخلاقی و انسانی در مسیر بعضی منافع خاص و توجیه رویکردها و رفتارهای ناروا سوء استفاده کنیم.

سید محمد خاتمی در ادامه افزود:

مسئله مهم دیگر کاری است که شما انجام دادید. اینکه یک عده از افراد متعهد و ایثارگر، بعد از جنگ فکر کردند آن مسیر و راهی که ایثارگری باید در درون آن جریان پیدا کند ایجاد یک نهاد مدنی است؛ یک حزب. حزب واسطه‌ای است میان مردم و حاکمیت و انتقال دهنده مسائل جامعه به حاکمیت. از طرف دیگر نمی‌خواهد که اصل نظام و حاکمیت از بین برود، کمک می‌کند تا راه درست شناخته و انتخاب شود و بعبارت دیگر نظام حاکمیت اصلاح شود. حزب یک نهاد مدنی است و اگر می‌خواهیم جمهوری داشته باشیم جز با به رسمیت شناختن احزاب ممکن نیست. عده‌ای از ایثارگران برای ایران عزیز و بهبود وضع زندگی مردم و برای ایجاد رشد و تعالی مردم حزب تشکیل داده‌اند و می‌خواهند از فرهنگ ایثارگری در خدمت یک امر سیاسی یعنی حاکمیت مردم بر سرنوشت خودشان استفاده کنند. این بسیار ارزشمند است. عزیزان وضعیت کشور خوب نیست البته این وضع را آقای پزشکیان به وجود نیاوردند. این اوضاع میوه رویکرد و جهت گیری است که از سالیان پیش اتخاذ شده و اکنون بروز و ظهور کرده است. گرچه با کمال تاسف، کسانی که قدرت را باختند، سعی می‌کنند این وضع بد را به حساب دولتی بگذارند که از جمله مورد حمایت شما نیز هست. حتما هم این را قبول دارم که دخالت دشمن، فزون طلبی ها، انتقام‌گیری‌ها و... از این نظام و مردم بر بد شدن اوضاع اثر داشته است اما بنده معتقدم باید به خودمان هم نگاه کنیم. اینکه ما چه کردیم؟ ما تا چه اندازه می‌توانستیم این وضع را به وجود نیاوریم و آوردیم؟ من از ایثارگری گفتم، ایثارگری آنجا که جنگ است با همه وجود، جانبازی و مقاومت می‌کند. آنجایی که مصلحت نظام است حتی حاضر است مذاکره و تعامل کند. اصلاً مذاکره و تعامل به معنای تسلیم شدن در برابر باج خواهی و زورگیری دشمن نیست. بلکه برای جلب امکانات برای پیشرفت کشور است و آنچه مصلحت ملی و خیر عمومی در آنست باید تامین شود. خب آیا ما در رویکردهایمان همیشه درست عمل کرده‌ایم؟ یعنی بر اساس آنچه مصلحت ملی و نیاز ایران بوده است سیاست گذاری کرده‌ایم یا نه مصالح ملی مورد توجه نبوده است؟ باید میان آرزوها (و به‌خصوص آرزوهای غیرقابل تحقق) با آرمان خواهی فرق گذاشت. یعنی آرمان خواهی نه تنها مخالف واقع بینی نیست بلکه باید واقعیت‌ها را دید و با وجود واقعیت‌ها آرمان‌ها قابل دسترسی باشد. باید برنامه ریزی کرد برای اینکه به آرمان‌ها رسید. آرمان‌ها شعار نیست، و برخی شعارها هم شعارهای موجه و منطقی اصلاً نیست. یعنی چیزهایی گفته می‌شود که قابل دسترسی نیست. همه سرمایه‌ها را در آن مسیر خرج کردن طبعاً نتیجه معکوس گرفتن منطقی و خردمندانه نیست. می‌شود آرمان خواه بود، اما واقع بین هم بود. واقعیت ممکن است قابل قبول نباشد، فرض کنید نظام حاکم در عرصه بین الملل نظام ظالمانه است یا حداقل از این نظام قدرت‌های مدعی و سلطه طلب سوء استفاده می‌کنند. این واقعیت بدی است؛ اسرائیل یک واقعیت بد و زشت است. با اشغال روی کار آمده است و سرکوب می‌کند، می‌کشد و روی خون و آوارگی مردم با حمایت دیگران زندگی اش را ادامه داده است. جنایاتش را در غزه دیدیم. این واقعیت، واقعیت زشتی است. اما اگر ما چشممان را ببندیم و یا خیال پردازانه با مسئله برخورد کنیم و واقعیت را نبینیم دچار مشکل می‌شویم. واقعیت‌ها همیشه قابل توجیه نیست. اما باید با واقعیات مواجه شد و آنها را دید و بر اساس امکانات و مصالح حرکت کرد و به نفع مردم و رضایت مردم از آرمان‌ها دفاع کرد و مهمترین مصلحت کشور و ملت و حتی حاکمیت تامین نیازهای مردم و جلب رضایت آنان است و در این زمینه باید با دنیا تعامل کرد. ولی اگر واقعیت‌ها دیده نشود و متوهمانه به آنچه در دنیا می‌گذرد نگریسته شود ممکن است سیاست‌هایی در پیش گرفته شود که زیان آن به کشور و مردم برمی گردد اما آنچه لازم است حفظ کشور و پیشرفت آن و بهبود حال و روز مردم است که صاحب اصلی کشورند و این با منطق و عقل و با فرهنگ ایثارگری هم سازگار است.

رئیس دولت اصلاحات یادآور شد:

به هرحال وضع کشور خوب نیست و مردم هم نگاه می‌کنند و می‌گویند بعد از آمدن آقای پزشکیان بر تورم، قیمت دلار و ناترازی‌ها افزوده شده است ولی جوابگوی این وضع در درجه اول جریانی است که کشور را به این حال و روز مبتلا کردند و امروز در آغاز دولت آقای پزشکیان مشکلات بروز و ظهور بیشتری پیدا کرده است ولی این به این معنی نیست که دولت جدید هم هیچ عیب و مشکلی ندارد. من معتقدم آقای پزشکیان شعارهایی داشته است که از خواست و نیاز مردم پایین‌تر بود ولی چشم اندازی به آینده کشور نشان داد که در آن وضع کشور بهتر شود و خطرات رفع گردد و ضریب امنیت کشور بالا برود و مردم و جوانان به آینده امیدوار شدند یا لااقل نومیدیشان کمتر شد. من بر این باورم که بخش قابل توجهی از مردم که رأی دادند به این امید آمدند و حتی کسانی که رأی ندادند و می‌خواهند زندگی آرام و خوبی داشته باشند و وابسته به یک جناح و جریان نیستند، کورسوی امیدی در دلشان پیدا شد که اصلاحات حداقلی می‌تواند وضع را بهبود ببخشد. در این موقعیت حساس نظر مثبت رهبر به رئیس جمهور و اعتماد متقابل حاکمیت و دولت امر مغتنمی است. ولی برای رهائی از مشکلات باید دو شرط رعایت شود: ۱- اصل حاکمیت این را بپذیرد که تغییر و اصلاح لازم است؛ و به لوازم آن تن داده شود. من نمی‌گویم بروند دهان مخالفان دولت و اصلاح امور را ببندند ولی آنکه اصلاح را می‌خواهد محکوم نشود و تحت فشار قرار نگیرد. تعبیری هست که می‌گوید من با فاشیسم مخالفم اما تلاش می‌کنم که فاشیست هم بتواند حرفش را بزند. اصلا آزادی یعنی این. ما نمی‌گوییم کسانی که نظر ما یا نظر مخالف ما را دارند حرفی نزنند اما اینکه صدای بلند در این کشور برای آنان باشد که می‌گفتند تحریم نعمت است و امروز با صدای بلند می‌کوشند همه چیز را به گردن کسانی بیاندازند که مردم برای آنکه اینها نیایند، آنها را انتخاب کردند، این قابل قبول نیست. تغییر در صورتی رخ می‌دهد که در این وضع تغییراتی ایجاد شود و اگر حصرها، دستگیری ها، محدودیت‌ها و ... تداوم پیدا کند و یا خالص سازی که در دانشگاه‌ها بود و در جاهای دیگر هم کم و بیش بود اگر اینها بیشتر شود یا حل نشود، مشکل دوچندان خواهد شد؛ و گرچه معتقدیم دولت کارهای خوبی کرده است ولی تمام نیروهای نظام باید متقاعد شوند که برای تحقق شعارهای حداقلی اقدام کنند و زمینه عملی شدن قول‌ها و وعده‌ها را فراهم کنند.

۲- دولت هم باید توان فکری و توان عملی برای برنامه ریزی این کارها را داشته باشد. باید در همه زمینه‌ها برنامه ریزی کند و جامعه باید احساس کند رویکرد متفاوت اتخاذ شده است. مردم ما تحمل دارند و می‌دانند یکشبه نمی‌شود تورم پنجاه درصد به زیر ده درصد کاهش پیدا داد. روابط خارجی در این زمینه بسیار تاثیرگذار است. کشور در زمان برجام نفس کشید.

قراردادهایی بسته شد و فضای نسبتاً بازی در جامعه ایجاد شد. اینها مؤثر است. رئیس جمهور باید بتواند قانع کند، برنامه ریزی کند و از انسان‌های توانمند در اجرای برنامه‌ها از جمله رفع تحریم یا کم اثرتر شدن آن استفاده کند. اگر دولت جدید نقطه امیدی در دل مردم ایجاد کرد باید سعی کنیم این امید از بین نرود. کار شما اینست که در عین حال که از دولت حمایت می‌کنید مطالبه گر هم باشید. مطالبه در حدّ همان شعارهایی که داده شد و مردم رأی دادند و البته دولت هم باید تعامل و گفت‌وگو کند. من نمیخواهم نظم کشور بهم بریزد و برای این باید اصلاحات را پذیرفت و در جهت آن حرکت کرد. اصلاحات، انقلاب نیست. باید سعی کنیم این چراغ کوچک روشن شده، حداقل خاموش نشود و احزاب و گروه‌ها هم که دلشان می‌سوزد مطالبه گری کنند و فکر کنند و راهکار نشان دهند که انشاءا امیدی که مردم به شعارها بستند با عملی شدن آنها بیشتر شود. دولت و رئیس جمهور محترم هم متوجه باشند که نه تنها از شعارهائی که داده‌اند برنگردند و چیزهائی نگویند و کارهایی نکنند که خلاف آن شعارها است بلکه همه فکر و تلاش خود را برای عملی شدن آن اصلاحات حداقلی بکار گیرند.

منبع| انتخاب

برچسب ها: مسعود پزشکیان [1]
اصلاحات [2]
سیدمحمد خاتمی [3]
رهبر انقلاب [4]